

یک نکته، یک نظر

واقعیت‌های امروزی در غنی‌سازی



احمد شیرزاد

سؤال اول: چه شد که کشور ایران به چالش هسته‌ای با کشورهای غربی کشیده شد؟

پاسخ: فعالیت‌های هسته‌ای ایران عمری به درازای حدود هفت دهه دارد. از قبل از انقلاب سازمان انرژی اتمی ایران تشکیل شد و نظام حاکم آن زمان تصمیم به ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای گرفت. نخستین نیروگاه همان نیروگاه اتمی بوشهر فعلی است که قرار بود با کمک آلمانی‌ها ساخته شود. با وقوع انقلاب اسلامی ایران، ساخت نیروگاه بوشهر متوقف ماند و نیروگاه دیگری هم آغاز نشد. پس از انقلاب نیز چند سالی ادامه کار در شک و تردید بود و در نهایت با کمک روس‌ها ادامه یافت. در کنار این فرایند، فعالیت‌هایی نیز در زمینه تولید سوخت نیروگاه و غنی‌سازی اورانیوم صورت گرفت. از سال ۱۳۸۲ که فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی ایران به عرصه اخبار رسمی راه یافت، تاکنون این مسئله به چالشی بزرگ در سیاست خارجی ایران و رابطه ما با قدرت‌های جهانی تبدیل شده است. سؤال دوم: برای پرهیز از چالش بر سر غنی‌سازی با کشورهای غربی چه باید می‌کردیم و الان چه باید بکنیم؟

پاسخ: به عقیده من بحث چه باید می‌کردیم درحال‌حاضر رافع هیچ مشکلی نیست. بسیاری از نقدها در جای خود بخشی از قضاوت تاریخی هریک از ما را شکل می‌دهند. اگر به فرایندی در گذشته انتقاد داریم، راهش این نیست که برگردیم به عقب و تاریخ را از اول بنویسیم. عقل ایجاب می‌کند به موقعیت فعلی نگاه کنیم و با توجه به داشته‌ها و نداشته‌های خود، بهترین تصمیم را بگیریم. بنابراین همان‌طور که نمی‌توانیم به شرایط قبل از جنگ ۱۲روزه و بمباران برخی از مراکز هسته‌ای خود برگردیم، به همان شکل هم نمی‌توانیم به سه دهه قبل برگردیم و از خود پرسیم که آیا غنی‌سازی بکنیم یا نکنیم. واقعیت الان را باید به‌درستی دریافت. واقعیت فعلی این است که ما به لحاظ نرم‌افزاری و نیروی انسانی، دانش فنی غنی‌سازی تا درصدهای بسیار بالا را داریم و این با هیچ بمبارانی محوشدنی نیست. اما در عرصه سخت‌افزاری، بخش‌هایی از تاسیسات ما آسیب جدی دیده‌اند و سرنوشت آنها در هاله‌ای از ابهام است.

سؤال سوم: آیا توانمندی غنی‌سازی محوشدنی است یا همواره قابل بازیابی است؟

پاسخ: وقتی ملتی به دانشی دست یافت، هیچ‌کس نمی‌تواند آن دانش را از آنان بازستاند. نه فناوری غنی‌سازی و نه هیچ فناوری دیگری را نمی‌توان از ملتی گرفت. بنابراین از نگاه سخت‌افزاری، فناوری هسته‌ای در زمینه غنی‌سازی همواره قابل احیا و تکرار است، حتی اگر اراده نظام سیاسی این باشد که تا مدتی فعالیتی را در این زمینه بی‌نگیرد. ارا به هیچ فناوری را نمی‌توان به‌کلی از حرکت بازایستاند.

گزارش

گزارش «شرق» از اظهارات دبیر شعام درباره مذاکره با آمریکا

پیام تهران به واشنگتن!

با وجود فضای پر از تردید فعلی، برخی تحلیلگران معتقدند همچنان امکان احیای مذاکرات وجود دارد، به‌ویژه اگر آمریکا در مواضع خود تجدیدنظر کند و به‌جای طرح خواسته‌های غیرواقع‌بینانه، به دنبال یک توافق برد–برد باشد. ایران نیز با نشان ندان داده که در صورت احترام به منافع ملی و امنیتی‌اش، آمادگی دارد راه‌حل‌های دیپلماتیک را بررسی کند.

بحث مذاکره میان ایران و آمریکا دوباره به صدر اخبار بازگشته است. اظهارات اخیر علی لاریجانی، دبیر شورای‌عالی امنیت ملی که تأکید کرده «راه مذاکره با آمریکا بسته نیست»، اما طرف آمریکایی عملاً پای میز مذاکره نمی‌آید، بار دیگر این سؤال را مطرح می‌کند که آیا می‌توان به احیای دیپلماسی میان تهران و واشنگتن امیدوار بود یا خیر؟ در این میان، یک نکته مهم توجه تحلیلگران را جلب کرده است که اروپایی‌ها در کنار تعیین تکلیف اورانیوم ۶۰ درصدی و همکاری کامل ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، مذاکره مستقیم با آمریکا را هم به‌عنوان یکی از شروط کلیدی برای فعال‌نشدن مکانیسم ماشه و جلوگیری از بازگشت قطع‌نامه‌های شورای امنیت مطرح کرده‌اند. این شرط به پرونده گفت‌وگوهای تهران و واشنگتن اهمیتی دوچندان داده است، زیرا فعال‌نشدن مکانیسم ماشه نه‌تنها برای ایران از نظر حقوقی و اقتصادی حیاتی است، بلکه می‌تواند فضای تنفسی جدیدی در عرصه دیپلماسی ایجاد کند. با این حال، تناقض میان شعار مذاکره‌طلبی آمریکا و رفتارهای عملی این کشور، از نگاه تهران نشانه‌ای از فقدان اراده واقعی در کاخ سفید است. اکنون پرسش اصلی این است که آیا شرایط برای یک گفت‌وگوی واقعی و مبتنی بر منافع متقابل فراهم خواهد شد یا همچنان بازی مقصر‌نمایی ادامه خواهد یافت؟

پیام تازه تهران: مذاکره ممکن، اما نه به هر قیمت

علی لاریجانی در مقام دبیر جدید ششام طی مواضع اخیر خود صریحا اعلام کرده است که مذاکره با آمریکا منتفی نیست، اما این گفت‌وگو باید بر پایه عقلانیت و واقع‌گرایی باشد. او تأکید کرده که آمریکایی‌ها صرفاً شعار مذاکره می‌دهند و عمل شروطی را مطرح می‌کنند که تحقق آن‌ها ناممکن است. ازجمله این شروط، محدودیت توان موشکی ایران است که از دیدگاه مقامات تهران، مستقیم با اصل «حفظ امنیت ملی» در تضاد قرار دارد.

لاریجانی در دیدار با مدیران رسانه‌ها با اشاره به ضرورت همبستگی ملی، تصریح کرده که نظام سیاسی ایران همواره اولویت اصلی را بر «حفظ کشور و جمهوری اسلامی» قرار داده و هرگونه تصمیم در حوزه تصمیم‌ر، هسته‌ای یا امنیتی با این اصل سنجیده می‌شود. این موضع نشان می‌دهد که اگرچه مذاکره همچنان یک گزینه روی میز است، اما عبور از خطوط قرمز دفاعی و امنیتی برای ایران قابل‌تصور نیست و آمریکا اگر واقعا به‌دنبال توافقی است باید انتظارات غیرواقع‌بینانه خود را کنار بگذارد.

تناقض در رفتار آمریکا: از ادعای مذاکره تا اعمال فشار

از نگاه تهران، یکی از مهم‌ترین موانع بر سر راه گفت‌وگو با آمریکا، دوگانگی رفتاری واشگتن است. مقامات ایرانی بارها تأکید کرده‌اند که کاخ سفید در ظاهر از مذاکره سخن می‌گوید، اما در عمل با تشدید تحریم‌ها، فشارهای دیپلماتیک و طرح مطالباتی چون محدودیت موشکی، عملاً مسیر توافقی را مسدود می‌کند. لاریجانی در سخنان اخیر خود یادآوری کرده که حتی در شرایطی که مذاکرات جریان داشت، آمریکا با تشدید فشارها، زمینه‌ساز وقوع جنگ شد. این تناقض موجب شده در ایران این برداشت شکل بگیرد که واشگتن به جای یک مذاکره واقعی، به دنبال بازی مقصر‌نمایی است؛ یعنی می‌خواهد ایران را در موقعیتی قرار دهد که یا امتیازات یک جانبه بدهد یا به‌عنوان مخالف مذاکره معرفی شود.

مهدی باززرگان: در فاصله حدود سه‌هفته‌ای تا موعد بازگشت قطع‌نامه‌های شش‌گانه شورای امنیت علیه ایران، پرونده هسته‌ای کشور وارد مرحله حساس و پیچیده‌ای از تحرکات دیپلماتیک و بازی‌های حقوقی شده است. تهران در برابر تهدید فعال‌سازی مکانیسم بازگشت تحریم‌ها، با مجموعه‌ای از اقدامات سیاسی، حقوقی و منطقه‌ای درصدد تقویت موضع خود است؛ اقدامی که هم‌زمان هم بر سطح داخلی و هم در چارچوب تعاملات بین‌المللی معنا می‌یابد.

دیدار اخیر مسعود پزشکیان، رئیس جمهوری ایران، با رؤسای جمهور روسیه، چین، ترکیه و دیگر سران حاضر در نشست شانگهای، جلوه‌ای از تلاش تهران برای حفظ موازنه دیپلماتیک و نیز گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و اقتصادی و در عین حال حفاظت از حقوق هسته‌ای خود است. کم‌اینکه در ملاقات پزشکیان و اردوغان، تأکید رؤسای جمهور ترکیه و ایران بر ضرورت حفظ امکان مذاکره با آمریکا، بازکردن مسیر گفت‌وگوهای هسته‌ای و هشدار نسبت به اختلال احتمالی در تعاملات بین‌المللی در صورت فعال‌شدن اسنپک، نشان می‌دهد که تهران به دنبال کاهش تنش و هم‌زمان افزایش ظرفیت دیپلماسی خود است. در کنار این، مباحث حقوقی و پارلمانی در داخل کشور نیز رنگ جدی به پرونده داده است. سخنگوی وزارت امور خارجه و رئیس سازمان انرژی اتمی ایران صراحتاً اعلام کرده‌اند که فعال‌سازی مکانیسم ماشه موضوعی پیش‌بینی‌شده است و کشور آمادگی کامل برای مواجهه با پیامدهای آن را دارد. در همین حال، خروج احتمالی ایران از معاهده ان‌پی‌تی و مواضع اخیر مجلس در این زمینه، نشان می‌دهد که تهران ضمن دفاع از حق غنی‌سازی و برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای خود، خطوط قرمز خود را به وضوح مشخص کرده است. این تحرکات در کنار رایزنی‌های تهران با چین، روسیه و پاکستان، هم‌زمان با تلاش اروپا و آمریکا برای احیای فشارها، معادلات بین‌المللی پرونده هسته‌ای را به شدت پیچیده کرده است. در این بین، افزایش تنش‌ها و تک‌پوهای دیپلماتیک در فضاهای بین‌المللی، از جمله اجلاس‌های شانگهای و مذاکرات چندجانبه، همچنین انتشار پیش‌نویس جدید روسیه برای اروسازی اسنپک، نشان می‌دهد که کشورها یک کلیدی جهان هنوز در تلاش‌اند تا موضع خود را پیش از موعد رسمی بازگشت قطع‌نامه‌ها تثبیت کنند. ذیل نکات فوق، ایران با مدیریت دقیق افکار عمومی داخلی و استفاده از ظرفیت‌های راهبردی با شرکای خود، به دنبال کاهش اثرگذاری تحریم‌ها و خنثی‌سازی فشارهای سیاسی و اقتصادی است. مصروف این تحرکات، نشان می‌دهد که پرونده هسته‌ای ایران نه صرفاً یک موضوع حقوقی با فنی، بلکه صحنه‌ای از رقابت‌های قدرت، دیپلماسی چندجانبه و حفظ منافع ملی است و هرگونه اقدام شتاب‌زده از سوی طرف‌های خارجی می‌تواند معادلات را به شکل غیرقابل پیش‌بینی تغییر دهد.

مسیر مذاکره ایران و آمریکا: شروط تهران و اروپا

در فاصله کوتاه تا موعد بازگشت قطع‌نامه‌های شش‌گانه شورای امنیت، پرونده مذاکره ایران و آمریکا وارد مرحله‌ای حساس و تعیین‌کننده شده است. دیدار مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری ایران، با رجب طیب اردوغان در حاشیه اجلاس شانگهای، نمونه‌ای برجسته از تلاش تهران برای هم‌زمان حفظ دیپلماسی فعال و خطوط قرمز ملی در مواجهه با ایالات متحده است. پزشکیان ضمن تأکید بر آمادگی ایران برای گفت‌وگو با آمریکا، بر لزوم به‌رسمیت‌شناختن حقوق هسته‌ای کشور و دستیابی به راه‌حل برد–برد تأکید کرد. رئیس‌جمهور کشور‌او هشدار داد که هرگونه اقدام اروپایی‌ها برای فعال‌کردن مکانیسم ماشه، نه‌تنها گفت‌وگوهای جاری را مختل می‌کند، بلکه امکان رسیدن به توافق پایدار را نیز به خطر می‌اندازد. در همین راستا نیز اردوغان، فعال‌شدن اسنپک را غیرسازنده خواند و بر لزوم حفظ کانال‌های دیپلماسی و همکاری منطقه‌ای تأکید کرد. مسئله‌ای که نشان‌دهنده حساسیت ایران نسبت به هماهنگی و حمایت کشورهای همسایه در برابر فشارهای خارجی است. این مسیر دیپلماسی پیچیده، در داخل کشور نیز بازتاب دارد. همچنان که علی لاریجانی، دبیر شورای امنیت ملی، صراحتاً اعلام کرده که راه مذاکره با آمریکا بسته نیست و ایران به دنبال یک مذاکره عقلانی و واقع‌بینانه است. البته دبیر تازه‌نفس ششام ادعان کرد که آمریکایی‌ها با مطرح‌کردن محدودیت‌هایی مانند مسائل موشکی، در واقع مسیر مذاکره را به طور ساختگی مسدود می‌کنند. این موضع در کنار سخنان اسماعیل بقالی، سخنگوی وزارت امور خارجه که آماده هستش سطح غنای اورانیوم به ۳٫۶۷ درصد تحت شرایط توافقی کلی و حفظ حق غنی‌سازی داخلی ایران است، نشان می‌دهد که تهران به دنبال ایجاد تعادل بین کاهش تنش و حفظ حقوق هسته‌ای خود است.

از سوی دیگر، اروپا شرایطی را برای بازگشت به مذاکرات مشخص کرده که شامل تعیین تکلیف اورانیوم ۶۰ درصد و همکاری کامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است. بقالی این شروط اروپایی را نشانه‌ای از عدم جدیت و حسن نیت تلقی کرد و تأکید کرد که نقش میانجی‌گری اروپا در حال کاهش است و

به‌تدریج تحت تأثیر فشارهای آمریکا و اسرائیل قرار گرفته است. این وضعیت، معادلات مذاکرات ایران و آمریکا را پیچیده‌تر کرده و نشان می‌دهد که تهران باید ضمن مدیریت تنش، از ظرفیت‌های خود برای پیشبرد مذاکرات و دفاع از منافع ملی بهره ببرد.

تحلیل روند مذاکرات همچنین حاکی از آن است که ایران به طور هم‌زمان دو هدف را دنبال می‌کند: نخست، تضمین حقوق هسته‌ای و جلوگیری از تحمیل محدودیت‌های یک‌جانبه؛ دوم، حفظ کانال‌های دیپلماسی باز با آمریکا و شرکای منطقه‌ای و جهانی، به‌ویژه کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای. در این چارچوب، تعاملات و دیدارهای صورت‌گرفته در چین و استفاده از ظرفیت‌های یکن، مسکو، آنکارا، اسلام‌آباد و… برای کاهش فشار اروپایی و آمریکایی، نشان‌دهنده رویکرد چندجانبه و راهبردی ایران است.

جمع‌بندی این تحولات حاکی است که مسیر مذاکرات ایران و آمریکا، نه صرفاً یک بازی سیاسی چندجانبه، بلکه صحنه‌ای از تعاملات چندجانبه و متقابل است. تهران با تأکید بر حقوق هسته‌ای، مدیریت هوشمندانه فشارها و بهره‌گیری از روابط منطقه‌ای و جهانی، درصدد است تا در آستانه بازگشت تحریم‌ها، امکان رسیدن به یک توافق نسبی و متوازن را فراهم کند. بدون اینکه خطوط قرمز و امنیت ملی خود را به خطر بیندازد.

پیش‌نویس روسیه و تمدید مکانیسم ماشه: بازی حقوقی و سیاسی

در سمت دیگر تحولات مربوط به پرونده هسته‌ای کشورمان و با نزدیک‌شدن به موعد بازگشت قطع‌نامه‌های شش‌گانه شورای امنیت، محور دیگر ناظر به شکل‌گیری پیش‌نویس جدید روسیه برای مکانیسم بازگشت تحریم‌هاست. این پیش‌نویس که از سوی روسیه ارائه شده، اندکی به مواضع سه کشور اروپایی و آمریکا نزدیک شده است، اما هنوز با شک و تردیدهای جدی مواجه است. در متن پیش‌نویس، تمامی طرف‌های اولیه برجام فراخوانده شده‌اند تا مذاکرات هسته‌ای را فوراً از سر بگیرند و این اقدام، هم‌زمان هم به‌عنوان فرصتی برای کاهش تنش و هم به‌عنوان وسیله‌ای برای بازی حقوقی مطرح می‌شود. با این حال، دواپهام کلیدی همچنان باقی است: نخست، روشن‌نبودن امکان عملی فعال‌سازی مکانیسم بازگشت تحریم‌ها و دوم، عدم تعیین هیچ‌گونه تمدید شش‌ماهه، که با موضوع اروپایی‌ها و آمریکا در تضاد است. البته با در‌نظرگرفتن معادلات جنگ اوکراین در سال‌های اخیر، عملاً پیشنهاد مسکو، ذیل قطع‌نامه جدید آنها برای ازسرگیری مذاکرات هسته‌ای با حضور تمام طرف‌های اولیه برجام یعنی (۵+۱، تقریباً امری محال به نظر می‌رسد، چراکه بعید است تروئیکای اروپایی (آلمان، فرانسه و انگلستان) در هیچ پروسه دیپلماتیک مشترک حاضر به همکاری و هم‌نشینی با روس‌ها باشند. در این شرایط، خبرگزاری تاس هم خبر داده که شورای امنیت سازمان ملل هنوز تاریخ مشخصی برای بررسی پیش‌نویس قطع‌نامه روسیه با هدف تمدید اعتبار قطع‌نامه ۲۲۳۱ که در حمایت از برجام درباره برنامه هسته‌ای ایران تصویب شده بود و همچنین رأی‌گیری درباره این پیش‌نویس تعیین نکرده است. این موضوع را «کیم سانگ-جین»، کاردار نمایندگی کره جنوبی در سازمان ملل اعلام کرد. کیم روز سه‌شنبه و در یک کنفرانس خبری به مناسبت آغاز ریاست کشورش بر شورای امنیت در ماه سپتامبر اعلام کرد: «تا این لحظه، تاریخ مشخصی برای بررسی این پیش‌نویس قطع‌نامه تعیین نشده است». در داخل ایران نیز مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با تحلیل شرایط فعلی، تأکید کرده است که تمدید شش‌ماهه پیشنهادی، نه‌تنها مشروعیت لازم را ندارد، بلکه کشور را در وضعیت تعلیق و ابهام قرار می‌دهد و می‌تواند به ابزاری برای فشار دائمی تبدیل شود. بابک نگاهداری، رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس، با اشاره به سوابق تحریم‌های گذشته، تصریح کرد که ایران تجربه کافی برای خنثی‌سازی اثرات روانی و عملی این اقدامات را دارد و می‌تواند با مدیریت افکار عمومی، اقدامات حقوقی و همکاری با چین و روسیه، روند فعال‌سازی مکانیسم ماشه را محدود و کنترل کند. تحلیل راهبردی ایران در این میان شامل چند محور است: نخست، پیشنهاد ارائه قطع‌نامه جدید با همکاری چین و روسیه که در آن حق غنی‌سازی ایران به رسمیت شناخته شود و الزام به محکومیت تجاوز آمریکا و اسرائیل گنجانده شود. دوم، تمدید دوره مکانیسم ماشه به سه تا پنج سال به جای شش ماه، که فرصت ایجاد چشم‌انداز اقتصادی و کاهش فشارهای کوتاه‌مدت اروپایی را فراهم می‌کند. سوم، فعال‌سازی مکانیسم ماشه باید به حالت تعلیق درآمده و امکان گفت‌وگوهای آزادانه بدون تهدید برای ایران فراهم شود، تا تهران بتواند مسیر مذاکرات و تعاملات بین‌المللی را مدیریت کند. از منظر بین‌المللی، این پیش‌نویس روسیه فرصتی برای ایران ایجاد می‌کند تا مشروعیت اقدامات اروپا و آمریکا در فعال‌سازی مکانیسم را زیر سؤال ببرد و به طور هم‌زمان با استفاده از ظرفیت‌های چندجانبه، مانع فشار یک‌جانبه شود. این استراتژی حقوقی-سیاسی، بر پایه تقویت روابط با شرکای راهبردی و استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی و



«شرق» از نزدیک‌شدن موعد بازگشت قطع‌نامه‌ها و تکاپوی دیپلماتیک ایران و جهان گزارش می‌دهد

راهبرد برد–برد در بحران

دیپلماتیک، تلاش دارد ایران را از دایره اجبار تحمیلی خارج کند و فرایند بازگشت قطع‌نامه‌ها را به شکلی کنترل‌شده و با حداقل آسیب مدیریت کند. با توجه به بظاهر یک ابزار فنی-دیپلماتیک برای کاهش تنش‌هاست، در عمل صحنه‌ای از بازی پیچیده حقوقی و سیاسی است که ایران با هوشمندی و استفاده از ظرفیت‌های داخلی و بین‌المللی می‌تواند از آن برای تقویت موضع خود بهره ببرد. این تحرکات نشان می‌دهد که مسیر آینده مکانیسم ماشه جهانی، به‌ویژه کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای، در این چارچوب، تعاملات و دیدارهای صورت‌گرفته در چین و استفاده از ظرفیت‌های یکن، مسکو، آنکارا، اسلام‌آباد و… برای کاهش فشار اروپایی و آمریکایی، نشان‌دهنده رویکرد چندجانبه و راهبردی ایران است.

ابعاد فنی برنامه هسته‌ای ایران: از بازرسی‌ها تا استانداردهای دوگانه آژانس

در فاصله کمتر از یک ماه تا موعد بازگشت قطع‌نامه‌های شش‌گانه شورای امنیت، پرونده هسته‌ای ایران نه‌تنها در عرصه سیاسی و دیپلماتیک، بلکه از منظر فنی نیز در نقطه حساسی قرار گرفته است. محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی ایران، با تأکید بر اینکه فعال‌شدن مکانیسم اسنپک موضوعی پیش‌بینی‌شده است، به تشریح جزئیات فنی برنامه هسته‌ای و تعامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پرداخت. معاون رئیس‌جمهور خاطرنشان کرد که جلساتی میان وزارت امور خارجه و آژانس برگزار شده و جلسه سوم نیز در پیش است تا روند نظارت و بازرسی‌ها طبق چارچوب قانونی و استانداردهای مصوب ادامه یابد.

اسلامی با اشاره به بازدید دو بازرس آژانس از فرایند تعویض سوخت نیروگاه بوشهر، تأکید کرد که این اقدام با مجوز دبیرخانه شورای عالی امنیت بین انجام شده و هدف اصلی آن، نظارت دقیق و قانونی بر فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای است. او افزود: ایراد اساسی ایران به آژانس، نه محتوای فنی بازرسی‌ها بلکه استانداردهای دوگانه و رفتار گزینشی آن است؛ به عبارتی، شش‌ماه‌های آژانس تحت تأثیر نظام سلطه عمل می‌کند و مشخص‌میرکل، مشکل اصلی محسوب می‌شود. این نکته نشان می‌دهد که ایران ضمن پایبندی به تعهداتش، به دنبال جلوگیری از سوءاستفاده سیاسی از اطلاعات فنی و فعالیت‌های هسته‌ای خود است. از سوی دیگر، اسماعیل بقالی، سخنگوی وزارت امور خارجه، در مصاحبه با گاردین، با اشاره به سطح غنای اورانیوم و حق غنی‌سازی داخلی ایران، ابعاد فنی و حقوقی برنامه هسته‌ای کشور را تشریح کرد. او اظهار کرد: ایران آماده کاهش سطح غنای اورانیوم به ۳٫۶۷ درصد است، اما تنها در چارچوب توافقی کلی که حق غنی‌سازی داخلی ایران را تضمین کند. این موضع نشان‌دهنده تلاش تهران برای ترکیب سیاست فنی با دیپلماسی هوشمندانه است تا ضمن پاسخ به فشارهای بین‌المللی، حقوق هسته‌ای کشور حفظ شود.

تحلیل فنی فعالیت‌های هسته‌ای ایران همچنین شامل مدیریت ذخایر اورانیوم و نظارت‌های آژانس است. بقالی با تأکید بر فقدان اعتماد شدید میان ایران و آژانس، به نگرانی‌های تهران نسبت به انتقال اطلاعات حساس به اسرائیل اشاره کرد و این موضوع را با نمونه‌های گذشته سوءاستفاده از گزارش‌های آژانس مرتبط دانست. این نگرانی‌ها نشان می‌دهد که ایران، ضمن رعایت الزامات حقوقی و استانداردهای بین‌المللی، به دنبال جلوگیری از بهره‌برداری سیاسی و نظامی از داده‌های هسته‌ای خود است. تحلیل روند بازرسی‌ها و استانداردهای فنی همچنین مبین آن است که ایران در چارچوب قانون داخلی و مقررات بین‌المللی، تلاش دارد تعادل میان شفافیت و حفاظت از حقوق ملی را برقرار کند. جلسات میان وزارت خارجه و آژانس، مجوز نظارت بر فرایند تعویض سوخت و واکنش به استانداردهای دوگانه، همگی بخشی از راهبرد جامع ایران برای کاهش فشارهای خارجی و جلوگیری از تحریک سیاسی و تحریم‌های اضافی است. در این میان، آمادگی ایران برای گفت‌وگو با آژانس در چارچوب اصول ملی و حقوقی، فرصتی برای کاهش تنش‌ها و مدیریت بحران فنی و سیاسی ایجاد می‌کند. مجموع این شرایط نشان می‌دهد که برنامه هسته‌ای ایران نه‌تنها به‌عنوان یک موضوع انرژی و فناوری، بلکه به‌عنوان بخشی از دیپلماسی راهبردی و دفاع از منافع ملی، اهمیت حیاتی دارد. ایران با ترکیب اقدامات فنی، حقوقی و سیاسی، در پی ایجاد تعادل بین منافع ملی و اهداف راهبردی خود است تا در آستانه بازگشت تحریم‌ها، ظرفیت‌های داخلی و بین‌المللی خود را برای مقابله با تهدیدها تقویت کند.

نقش شانگهای و بازی قدرت‌ها

تلاش تروئیکای برای بازگشت قطع‌نامه‌های شش‌گانه شورای امنیت علیه تهران، موجب شده تا پرونده هسته‌ای ایران فراتر از مرزهای داخلی و گفت‌وگوهای دوجانبه با آمریکا، به عرصه رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی کشیده شود.

یادداشت

نامه به اروپا؛ مأموریت غیرممکن

البته نمی‌توان نادیده گرفت که به بُن شبکه‌های مجازی، دیگر ارتباطات از طریق نامه‌نگاری جای خود

را به تلفن‌های مجانی و فوری از طریق اپلیکیشن‌های رایج همچون واتس‌اپ، تلگرام و… در گوگل داده است و امروزه دیگر مثل قدیم مردم لازم نیست به تلفن‌خانه میدان توپخانه بروند و ساعت‌ها در صف بایستند تا صدای عزیزشان را بشنوند و نیز هر روز به اداره پست مراجعه نمی‌کنند تا نامه‌ای را تمبر بزنند و در صندوق پست بیندازند. همه کار با گوشی‌های جادویی‌مان انجام می‌شود. اما این تغییرات نباید باعث شود که اگر کسی بخواهد پاکت نامه‌ای را پست کند، مجبور شود این همه خرج کند و مصیبت بکشد؛ دوستان می‌گفتند بهترین راه و روش رایج این است که بروی فردوگاه امام خمینی و آن را به دست کسی بسپاری که به اروپا می‌رود. اما هم راه دور بود و هم آن فرد ناشناس بالاخره مجبور می‌شد آنجا به پست‌خانه برود و نامه را احیاناً برای کشوری غیر از مقصد خودش پست کند.

بالاخره تصمیم گرفتیم ابتدا دنبال شرکت‌های خصوصی مطمئن همچون DHL و TNT بگردم. اولی ظاهراً تعطیل بود چون لوفت‌هانزا تردد نمی‌کند و دومی گفت که مبلغ ارسال نامه سفارشی پنج میلیون تومان است؛ پست PDE هم همان ارقام را می‌گفت. برایم غیرمنطقی بود. گفتم شاید ادارات پست خودمان ارزان‌تر و آدرس‌شان نزدیک‌تر باشد. فهرست ادارات پست تهران را جولیم گذاشتم و دانه‌دانه شماره گرفتم؛ پست کریمخان، حافظ، سعدی جنوبی و نزدیک امام خمینی، پست مرکزی ولیعصر، پست شوش، اداره پست ایرانشهر و… حتی پست مرکزی چهارراه لشکر. تلفن هیچ‌کدام را کسی برنمی‌داشت یا نوار می‌گفت در شبکه موجود نیست! تأکید هم که در خیابان خودمان بود، گفت به خارج چیزی نمی‌برد. بالاخره دخترخانمی که گویی تازه از خواب پریده بود، گفت: نخیر، نمی‌شه! با دوست وکیل‌ی که معمولاً حلال تمام مشکلات است هم تماس گرفتم. گفت خبرت می‌کنم و یکی را می‌فرستم نامه را از تو بگیرد. اما نرفستاد.

کلافه در خیابان‌های مرکز شهر به راه افتادم. گفتمت در خیابان جامی یک خدمات پیشخوان هست که پست هم دارد. پیاده رفتم. گفتمت پست خارجه نداریم. اگر می‌خواهی زودتر برسد باید بروی همان اداره مرکزی پست چهارراه لشکر. تاکسی گرفتم و رفتم. در داخل سالن بزرگ اداره پست در گوشه‌ای پررفتاده، بالاخره به چند نفر ملحق شدیم که منتظر نشسته بودند دستگاه کامپیوتر خانم کارمند جوان درست شود. او که مستاصل بود، به من گفت پاکت بگیر، اما قول نمی‌دهم امروز به شما برسیم. بهتر است بعد از تعطیلات وسط هفته بیایید. به دنبال رئیس مجموعه پستی گشتم. خوش‌رو و راحت با من به گفت‌وگو نشست و گفت: اگر راه اروپا را بدانی چقدر دور است، می‌فهمی که این ارقام اصلاً گران نیست. راست می‌گفت. ما به نوعی انزوا به سر می‌بریم و بقیه جهان دست‌نیافتنی به نظر می‌رسد. بالاخره رئیس، خانمی مسلط و مهربان در نشانم داد که کارم را ظرف چشم‌به‌هم‌زدنی راه انداخت.

این «خانم» فرشته‌خانم نجات» در همه ادارات هستند. خانم تاکتیی که پشت اندر پشت خادمان در کار پست بود نیز یکی از همان فرشته‌ها بود. ناگهان نوری در جانم تابیدن گرفت، گفتم ما باید از این‌انزوا دربیاییم. باید هوایمایی هما پست‌ها را ببرد، نه هواییمایی کشور همسایه. باید دوباره قدر قوی شویم. ما همیشه در طول تاریخ نقش چهارراه ملل دیگر را بازی می‌کرده‌ایم. ما چپارهای هخامنشی را داشتیم؛ چرا باید پست، یعنی منظم‌ترین اداره کشورمان، به این وضع افتاده باشد؟ دو میلیون تومان ناقابل را از کارتم برداشت و گفت: خیالت راحت عزیزم تا دو هفته دیگر به دستش می‌رسد! اگر نرسید، بیا همین‌جا پیش خودم.